



هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

۴ صفحه : ۲۰۰ افغانی / ۲ روپیه پاکستانی

تحت ریاست محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی

قوماندانان و مسؤولین نظامی حزب وحدت اسلامی تشکیل جلسه دادند.

* وضعیت جبهات دفاعی مورد بررسی قرار گرفت.

* کمیسیونی جهت رسیده گی به ضرورت‌های زمستانی جبهات توظیف گردید.

به تاریخ ۱۳۷۴/۹/۸ قوماندانان و مسؤولین نظامی حزب وحدت اسلامی، تحت ریاست محترم استاد خلیلی، دبیرکل این حزب تشکیل جلسه داده و روی مسایل مهم و حیاتی کشور مخصوصاً در رابطه با امورات نظامی مفصلاً بحث و تبادل نظر نموده و به تصمیمی نایل آمدند.

به گزارش خبرنگار نظامی «صفحه نو» از بامیان، در این جلسه ابتدا محترم استاد خلیلی، دبیرکل حزب وحدت اسلامی قوماندانان و مسؤولین نظامی را در جریان آخرین تحولات و انکشافات اوضاع سیاسی- نظامی کشور قرار دادند. سپس قوماندانان و مسؤولین محترم نظامی، با تشریح و وضعیت جبهات دفاعی، ضرورتها و نیازمندی های زمستانی خویش را مطرح کرده و در رابطه با رسیده گی به آنها طرح های مشخصی را ارائه داشتند. طبق این گزارش در ختم جلسه کمیسیونی جهت رسیده گی به این ضرورتها توظیف گردید که قبل از شدت سرما، تمام نیازمندیهای جبهات را رفع گردانند.

خاطره پی از یک سرباز مجروح

با خون دهن خود و خون چشم چریک اسم استاد و اسم خود را بطور یادگار نوشته کردم چند لحظه بعد بچه های کمکی آمدند و ما را به شفاخانه رساندند...

تست آخر

محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» ۱۳/۸/۱۳۷۴ - بامیان:

روحیه انحصار طلبی و منطق یکه تازی، عامل خطرناکترین فاجعه ها در کشور ما گردیده است

* در حکومت آینده افغانستان هیچکسی احساس حقارت و کمبودی نکند، به حق هیچ کسی ظلم نشود و به تعبیر واضحتر، عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه تامین شود و هیچکسی و هیچ جمع و جماعتی از حق اندر نشیند و تصمیم گرفتن به خاطر سرنوشت خود محروم نماند. (ص ۳)

قوماندان هادی لنگ توسط عمال تشیع درباری به شهادت رسید

* جنازه شهید هادی از چاهی در نزدیکی سیلو کشف گردید.

* شهید هادی لنگ از مدافعین قهرمان مردم در دوران مقاومت غرب کابل بود

خبرنگار شهری «صفحه نو» از کابل گزارش میدهد که هفته گذشته، جنازه شهید هادی لنگ، یکی از قوماندانان با شهامت حزب وحدت اسلامی در دوران مقاومت ضد فاشیستی کابل، از چاهی در نزدیکی سیلو کشف گردید و توسط مردم به مسجد سرکاریز قلعه شهادت منتقل و در گلزار شهدا به خاک سپرده شد. طبق این گزارش، شهید هادی لنگ که از مدت چهار ماه بدینسو در غرب کابل به سر برده و در یکی از قطعات متعلق به تشیع درباری نیروهایش را جمع کرده بود، دو روز قبل از کشف شدن پیکرش، توسط عمال سیدانوری دستگیر و اختطاف گردیده بود. جنازه شهید هادی با برچه و کارد قطعه قطعه شده و با سر به چاه انداخته شده بود.

لازم به یاد آوری است که شهید هادی در دوران مقاومت ضد فاشیستی، قوماندانی جبهه سیلو را بر عهده داشت و پس از فاجعه غرب کابل، برای چند ماهی در بامیان به سر برده و سپس دوباره عازم غرب کابل گردید و در صفوف نیروهای متعلق به تشیع درباری قرار گرفت. به شهادت رساندن قوماندان هادی لنگ توسط عمال تشیع درباری، یکبار دیگر عمق کینه آنها را نسبت به فرزندان مدافع جامعه هزاره به اثبات رسانید.

مردم مسلمان غندک و جلپیش به حزب وحدت اسلامی پیوستند

* نیروهای نظامی مناطق مذکور درچوکات قول اردوی حزب وحدت اسلامی اعاشه میشوند (ص ۴)

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

میکانیزم عادلانه سیاسی:

نوید شکست آرمان های انحصاری

میکانیزم سیاسی همه گیر، به مثابه نابود شدن مفکوره انحصار سیاسی در کشور است!

همان اندازه شخصیت سیاسی این حاکمیت سیاسی میان تهی باعث بلند رفتن حیثیت ملی و بین المللی آن میگردد، تا آنزمانی که از رادیوهای جهان «نیروهای دولتی» تبلیغ گردد، روشن است که نیروهای جانب مقابل، تنها در محدوده یک جبهه مقاومت، ولی فاقد میکانیزم سیاسی برای تشکیل دولت، مطرح میشوند. با به وجود آمدن نظام سیاسی بی که مثل حضور سیاسی تمام اقشار ملت باشد، حاکمیت مسخره کابل، حتی در بین هراخواهان خودش نیز به عنوان موجود زاید و عامل فتنه اجتماعی مطرح میشود. تا میکانیزم سیاسی قابل قبول برای تمام اقشار ملت وجود نداشته باشد، احمدشاه مسعود و «شورای نظار» آن، حیثیت «دولت اسلامی» را حفظ خواهند کرد و مثل کلیه حقوق سیاسی، ملی و بین المللی ملت افغانستان در مجامع سیاسی و حقوق بین المللی خواهد بود؛ میکانیزم سیاسی همه گیر، به مثابه نابود شدن مفکوره انحصار سیاسی در کشور است! (صفحه نو)

خلاف آرمان و توقع، بازم شهر کابل به مکانی تبدیل شد که قربانیان بیگناه خویش را در آغوش میگیرد. این وضعیت که از مدت سه سال و چند ماه بدینطرف ادامه دارد، یگانه دست آورد انحصار قدرت سیاسی در کابل بوده است که بدون نظر داشت و احترام به حقوق سیاسی اقشار ملت، جنگ را برای حفظ موقف سیاسی نظامی یکه تاز در کابل با خود داشته است. ممکن است که موقعیت مراکز نظامی در پایتخت بهانه بی برای سیاست ها و نیت های غیر عمدی عاملین باشد؛ ولی چگونه میتوان تصور کرد که برای جنگ های کنونی که از پیروزی تا شکست آن صرف چند روز فاصله دارد، مردمان را دعوت به خروج از شهر، به جبهات نامعلوم و بی پناه کرد؟! جلوهگیری از تلفات مردم بیگناه صرفاً زمانی میسر میگردد که توازن قوای نظامی به نفع نیروهای ضد حاکمیت انحصاری و غیرقانونی کابل به وجود آید. ناگفته پیداست که این توازن زمانی حصول شده میتواند که اتحاد سیاسی و پلان مشترک نظامی برای تسخیر و نجات پایتخت به وجود آید؛ ولی بدون طرح مشخص و بدون میکانیزم عادلانه سیاسی برای تشکیل حاکمیت با قاعده وسیع، هر طرح نظامی صرف برای شکست دشمن خواهد بود؛ نه برای شکست و نابودی جنگ و وضعیت مرگبار کنونی برای ملت. هر قدر نیروهای مخالف، فاقد بدیل سیاسی برای حکومت آقای ربانی باشند، به

محترم دکتر طالب، سخنگوی شورای عالی هماهنگی در گفتگویی با خبرنگار «صفحه نو»:

در مزار شریف هیچگونه جلسه رسمی بی صورت نگرفته است.

* گزارشات منتشر شده در بعضی مطبوعات و رسانه های خبری بی اساس میباشد.

* آقای جریر در راستای برنامه های حزب اسلامی به مزار شریف رفته اند، نه در ارتباط جلسه شورای هماهنگی.

* در طول این دو هفته نه استاد خلیلی در مزار شریف تشریف داشته و نه جنرال دوستم.

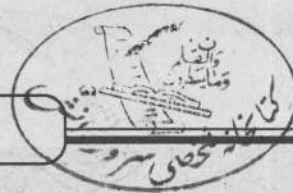
* مواضع شورای عالی هماهنگی همچنان به قوت قبلی خود باقیست و هیچگونه تغییری در آن صورت نگرفته است.

اخیراً گزارشتی در برخی از مطبوعات و رسانه های داخلی و خارجی منتشر گردیدند که گویا جلسه بی در مزار شریف به اشتراک رهبران شورای عالی هماهنگی دایر گردیده و در آن روی مسایل مهم سیاسی و نظامی کشور مواضع شورای عالی هماهنگی بحث و تبادل نظر صورت گرفته و تصمیم جدی بی اتخاذ گردیده است.

خبرنگار «صفحه نو» برای روشن شدن این گزارشات، طی قاسی با محترم دکتر طالب، سخنگوی شورای عالی هماهنگی، نظریات ایشان را جویا شد که در نتیجه روشن گردید که این گزارشات هیچگونه واقعیتی نداشته و در طول این دو هفته شورای هماهنگی کدام جلسه خاص و غیر معمولی برگزار نکرده است. محترم دکتر طالب اظهار داشتند که آقای جریر، برای مأموریت هایی که از سوی حزب اسلامی به ایشان سپرده شده بود، روانه مزار شریف

محترم قریب الرحمن سعید، د حزب اسلامی دارشاد او فرهنگ رئیس او د حزب ویاند د «صفحه نو» خبریال سره په مرکه کی:

هر څوک چی دملیتونو تر منځ تبعیض ته قایل دی هغوی په هیواد کښی دسولی په ځای جنگ غوازی



تلاش جدید؛ اما استراتژی کهنه

* سیاست جدید ایران زمانی میتواند قابل اعتماد باشد که اولاً شخصیت ملی و ترکیب مذهبی هر ملت افغانستان را مد نظر داشته باشد و ثانیاً عناصری که تا دیروز برای تقویت انحصار و شکست مقاومت غرب کابل، بزرگ شده بودند، از میان برداشته شوند.

احترام متقابل به شخصیت ملی کشورها، یگانه اصل قابل اعتبار در مناسبات دیپلماتیک بین المللی به شمار می آید. بدون نظر داشت این اصل، هر گونه رابطه سیاسی بر مبنای تزویر بوده و صرفاً برای منافع خاص یک جانب، به شخصیت و منافع ملی جانب دیگر خیانت به عمل می آید. جریان فاجعه کنونی ملت ما را نقض احترام متقابل به شخصیت و منافع ملی آن توسط کشورهای خارجی تشکیل میدهد. سرمایه گذاری برای حفظ نفوذ در سیاست داخلی افغانستان، یگانه معیاری بوده است که تا کنون جنگهای ویرانگر کشور ما به خاطر آن ترمیم شده اند و فاجعه هر روز بیشتر از پیش، عمق و پیچیده گی به خود میگیرد.

جنگ انحصاری بیشتر از سه سال در کابل، ابعاد مختلف وضعیت اسفناک موجود را برای ملت افغانستان بیان میدارد. رقابت ها و جنگ های اجتماعی برای حفظ انحصار سیاسی و راندن دیگران از صحنه، یگانه عاملی بوده است که آغوش مرکزیت سیاسی ملت را برای ورود نفوذ کشور های بیگانه باز نگه داشته است. جنگ رقابت منطقی کشور های همسایه و تطبیق سیاست های بین المللی توسط کشورهای «قمر» در منطقه، عواملی اند که زمان فاجعه را تا کنون کش داده اند.

روشن است که سیاست های جمهوری اسلامی ایران در منطقه، یا اصلاً فاقد اصول مشخص بوده اند و صرفاً نظر به بحران های مقطعی ارزش دهی شده اند و یا اگر احیاناً سیاست مشخص دارند، شاید صرفاً به صورت یکجانبه، منافع منطقی این کشور را در نظر دارند. برهمگان معلوم است که سقوط مقاومت غرب کابل زمانی به سر رسید که سیاست ایران کاملاً موافق و یا پشتوان غیر علنی سیاست عربستان سعودی و پاکستان شد. موضعگیری جمهوری اسلامی ایران بر ضد مقاومت غرب کابل، میتواند به سیاست غیر واقعیتناهنه ایران تعبیر شود که از عدم درک ترکیب ملتی و خواست عدالت سیاسی ملت های با هم برادر ملت افغانستان ناشی شده است. تقویت این یا آن جناح برای حفظ و به دست آوردن امتیاز سیاسی و انحصار قدرت، سیاستی است که امروز هر کشور خارجی، به بی پایه بودن آن واقف گردیده است. تنها پول و اقتصاد و سلاح نمیتوانند، بنیانگذار حاکمیتی در کابل گردند که به نفع سیاست و منافع منطقی این یا آن کشور عمل نماید.

آرمان ملت های محروم یگانه قدرتی است که هرگونه طرح انحصاری و عظمت طلبی را به شکست مواجه ساخته است. هیچ ارتشی نمیتواند با ترکیب یک ملیتی، فاتح هر سنگر سیاسی باشد. سرمایه گذاری های خارجی بر این یا آن ارتش، صرفاً همینقدر موثر خواهند بود که جنگ اجتماعی را با شدت بیشتر بر ملت افغانستان تحمیل نمایند. تجربه به اثبات رسانید که ایجاد فراکسیون اکبری و بعداً رشد و مطرح کردن این فراکسیون تا سرحد حزب اصلی «شیعی» در افغانستان و همکاری و همسویی نژادی این فراکسیون شیعی در جوار حاکمیت انحصاری کابل، هیچگونه سودی برای جمهوری اسلامی ایران نداشت. یگانه پیروزی ایران در طرح ایجاد فراکسیون جدید برای اتحاد و همسویی با حاکمیت غیر قانونی کابل، سقوط غرب کابل بود که باوجود بزرگی شکست آن برای مقاومت اجتماعی هزاره ها به خاطر عدالت سیاسی، صرفاً ضربه بی بود که اثر درد آن در مدت زمان کم رفع گردید و جبهه مقاومت در زیر جنگهای دوامدار تحمیلی در بامیان، بار دیگر برای آرمان سیاسی خویش به پا ایستاده شد. این مثال کوچک، بهترین پاسخ برای هر سیاست دیگری نیز بوده میتواند که ولو کابل در تصرف این یا آن نیرو در آید، صرفاً تا مدت زمانی آرام خواهد بود که نیروهای مقاومت، با تعیین صف جدید دشمن و دوست و برای جنگ آرمان خویش، به آرایش جدید قوا دست زنند.

سیاست های غیر اصولی کشور های همسایه، بدون نظر داشت ترکیب ملتی ملت و ترکیب مذهبی هر ملت افغانستان، در زود ترین فرصت خط نزولی و شکست خویش

تشیع درباری، از خیانت مذهبی تا برداشتن سیاستی

(قسمت دهم)

(۲۳ سنبله ۱۳۷۴: آغاز یک تاریخ)

جوسازی های تبلیغاتی شبکه تشیع در باری در هر دو بعد مذهبی و ملیتی خود تا بهار سال ۱۳۷۳ ادامه پیدا کرد ویر نامه هایی که برای کوبیدن ذهنیت هاو مسموم ساختن باورها و اعتماد مردم نسبت به هسته و محور مقاومت شان تدارک دیده شده بود، ظاهراً جایگاه خود را در غرب کابل احراز کرده و به مراحل امیدوار کننده ای رسیده بود. دومین برنامه یی که در بهار سال ۱۳۷۳ در کنار جوسازی های تبلیغاتی، در دستور کار تشیع در باری قرار گرفت، اقدام به دور ساختن رهبر شهید از رهبری حرب وحدت بود که در سند پروژه «آزادی» نیز عمده ترین تأکید روی آن صورت گرفته بود. تشیع در باری برای رسیدن به این هدف فعالیت های خود را در دو بخش سازماندهی کرد:

۱- رخنه در شورای مرکزی و جمع آوری آراء انتخاباتی بر علیه رهبر شهید
۲- تدارک عملیات نظامی و برچیدن پایگاههای مقاومت در هماهنگی شورای نظار و اتحاد سیاف.

موفقیت در انتخابات، ساده ترین راه رسیدن به هدف بود که هم تشیع در باری و هم حاکمیت فاشیستی به آن دل بسته و چشم دوخته بودند. قبلاً درسند پروژه «آزادی»، آقای اکبری به دکتر عبدالرحمن اطمینان داده بود که «...بیش از سه هزار نیروی مسلح نظامی دارم. مخصوصاً در ولایت بامیان بطور مکتوم و در قسمت های ولایت وردک و ولایت غزنی از نفوس (نفوذ) خوبی برخوردار هستم.» (۱) وی همچنین ادعا کرده بود که از سال ۱۳۷۱، یعنی زمانیکه اولین ملاقات خود را با «غایبند» مسعود، در بامیان انجام داده بود، به خاطر دور شدن مزارعی تصمیم گرفته و به کمک پولی که بدست «برادر نجیب» برایش رسیده بود، در جهت تغییر ذهنیت اعضای حزب کار کرده است. وی در قسمتی از تعهد نامه خود، موفقیت هایش را در کابل نیز حتمی قلمداد کرده، مینویسد: «ما کاملاً از دولت اسلامی و از ابتکار شخص برادر مسعود و داکتر صاحب عبدالرحمن راضی بوده، توجه مینماییم که اختلافات موجود را با کنار رفتن مزارعی حل و فصل کنیم که در این زمینه با تعداد اعضای شورای مرکزی مشوره هایی صورت گرفته است و با قوماندانان و سرگرویان حزب وحدت نیز تفاهم صورت میگیرد و گرفته است. قوماندانان حزب وحدت و اعضای شورای مرکزی معتقد به این حرف است که یگانه تکیه گاه و پشتیبان سیاسی ما دولت اسلامی افغانستان و مخصوصاً شورای نظار بوده...» (۲)

چراغ های سبز تشیع درباری، حاکمیت فاشیستی احمد شاه مسعود و بارانش را متقاعد ساخته بود که غرب کابل به ساده گی و با صرف هزینه های اندک نصیبه میگرد و بزرگترین جبهه یی که غرور عظمت طلبی های نژادی فاشیزم را دره شکسته و تمام جبهه و امکاناتش را به خود مصروف ساخته است، از سر راه برداشته میشود؛ و درست بر اساس همین باور بود که احمد شاه مسعود در صحبتی با جمعی از کارمندان امنیت فاشیستی باطمینان یاد کرده بود که «با مصرف دوچنگ، انتخابات حزب وحدت را به نفع آقای اکبری تضمین کرده است!» و نیز «فهمیم با پهلوان یحیی و خود مسعود با ترجمان شرط زده بود که ما در داخل حزب وحدت برنده هستیم.» (۳)

رنخه کردن چهره های تشیع درباری در درون شورای مرکزی حزب وحدت که اعضای آن بیشتر به علت مصلحت های گروهی و مهار ساختن جنگهای داخلی در هزاره جات، انتخاب شده بودند، مشکلی نبود که به جادوی پول و وعده مقام امکان پذیر نباشد، اما آنچه که در محاسبات تشیع درباری و فاشیستان همزاد آن از نظر دور مانده بود، آگاهی مردم غرب کابل بود که در دو سال گذشته با سرمایه خون و هستی خود، در محور رهبری سیاسی خویش مقاومت کرده و بیشتر از مصلحت های درون گروهی حزب وحدت، به آرمان سیاسی و تاریخی خویش ارجحیت قابل بودند و در این راستا حتی میتوانستند بر ذهنیت اعضای شورای مرکزی نیز تأثیر بگذارند.

آقای اکبری چون محیط غرب کابل را دقیقاً با معیار محیطی که در هزاره جات دیده بود، ارزیابی میکرد، موجودیت چند تن از اعضای شورای مرکزی را عامل حتمی موفقیت خود تصور می کرد و باور داشت که مردم هم در نهایت، چشم به همین مجمعی خواهند دوخت که بهر حال، وزنه آقای اکبری و اعضای شبکه اش را بیشتر نمایش میدهد و وقتی که شورای مرکزی به رهبری وی رأی بدهد، مردم هم به آن گردن خواهند نهاد. این باور آقای اکبری ناشی از تصویری بود که وی از مردم در ذهن خود داشت، تصویری که مردم را «عوام کالانعام» میدانست و رأی چند نفر پیشگام را- ولو به هر طریقی به پیشگامی رسیده باشند- معیار هرگونه تصمیم و موضعگیری آنان تلقی می کرد. وقتی مردم غرب کابل، با تظاهرات همگانی خویش در حمایت از رهبر شهید، این تصویر را در ذهن اربابان تشیع درباری کوبیدند، با آنچنان عکس العمل غیر منطقی از سوی تشیع درباری مواجه شدند که یکی از سخنگویان آنها رسماً در مسجد امام خمینی خطاب به مردم داد کشید که: «مردم چه حق دارند که در سرنوشت حزب وحدت دخالت می کنند و به نفع این یا آن شخص تظاهرات می کنند؟! عین این اهانت به شخصیت و آگاهی سیاسی مردم غرب کابل، در سال جاری، یعنی درست یکسال پس از تظاهرات سال ۱۳۷۳، توسط سید مرتضوی نیز صورت گرفت، چنانچه که آن زمان هم تمامی اعضای رهبری این شبکه به شمول آقای اکبری، مردمی را که در تظاهرات شرکت کرده بودند، «دسته یی اویاش و عمال خلق و پرچم» می دانستند که گویا اصول تشکیلاتی حزب وحدت را نقض کرده اند!

(ادامه دارد)

- (۱) خبرنامه وحدت، شماره ۵۸۸، ۱۳۷۳/۷/۶، افشای توطئه خائنانه اخیر به رؤیت اسناد، ص ۸، سند پروژه «آزادی»
(۲) همان، شماره ۵۸۹، ص ۸.
(۳) همان، شماره ۶۴۰، متن کامل مصاحبه رهبر شهید با رادیو - تلویزیون پیام آزادی، ص ۸.

رقابت منطقی از طریق کشور های «قمر» در منطقه، ناگزیری دیگری است که میتواند در تأثیر گذاری بر سیاست های جمهوری اسلامی ایران، نقش خیلی ها اساسی را داشته باشد. تقویت شدن مالی، سیاسی و نظامی این یا آن ملت توسط ایران، متکی بدین است که رقیبان منطقی و بین المللی این کشور، چگونه سرمایه گذاری و چگونه سیاستی را برای تماس با ملت های دیگر افغانستان به پیش میگیرند که این امر میتواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را همیشه به مثابه دنباله رو سیاست رقیبان منطقی آن تبدیل کند. انفعالیات سیاسی و بعداً جبران نمودن موضعگیری های گذشته به علت شکل گیری وضع جدید، امر دیگری را نیز به اثبات میرسانند و آن اینکه جمهوری اسلامی ایران همیشه صاحب سیاست های شتابزده است که میتوان آن را «پادزهر» پیشقدمی های رقیبان در مقیاس منطقی و بین المللی تلقی کرد. تلاشهای بیش از حد برای رفع بحران کنونی که دولت انحصاری کابل بدان مواجه است، جز ایجاد باورهای منفی و تقلایی برای هیچ، چیز دیگری تفسیر شده نمیتواند؛ چون در ترکیب کنونی سیاسی و نظامی حاکمیت کابل، هیچگونه زمینه یی وجود ندارد که با آن بتوان امید شکست انحصار سیاسی را داشت. موجودیت تشیع درباری در جوار حاکمیت فاشیستی کابل، موجود بودن تمام باور های امتیاز نظامی حاکمان فعلی، عدم گرایشات صادقانه برای شکست انحصار و بیشتر از همه موجودیت شخصیت هایی که فاقد هرگونه اعتماد و حیثیت اجتماعی برای ملت افغانستان شده اند، و هكذا گرایشات وانعطاف پذیری بدون مقدمه ایران در برابر شخصیت سیاسی و اجتماعی رقیبان حاکمیت کابل، مخصوصاً حزب وحدت اسلامی، همه و همه دلایلی اند که بن بست تلاش های فعلی را گوشزد میکنند. اقدامات سیاسی بدون زمینه و نداشتن سیاست استراتژیک در مورد وضعیت کنونی افغانستان، مثل همیشه بازهم تلاشهای سیاسی ایران را به نفع حاکمیت مسعود و انحصار سیاسی حاکم در پایتخت، خاتمه خواهد داد. نشان دادن حسن نیت یا انعطاف سیاسی در برابر این یا آن نیروی مخالف، زمانی میتواند منجر به تغییر جبهه گیری های کنونی گردد که طرح مشخص سیاسی برای حل انحصار و عدالت سیاسی در کشور وجود داشته باشد. صرفاً با ابراز تمایل دوستی، نمیتوان خطی را نجات داد که سه سال است خون اقشار ملت را ریختنند و بیشتر از چند بار قتل عام اجتماعی را بر جامعه هزاره های افغانستان تحمیل کرده است.

سیاست جدید ایران زمانی میتواند قابل اعتماد باشد که اولاً شخصیت ملی و ترکیب مذهبی هر ملت افغانستان را مد نظر داشته باشد و ثانیاً عناصری که تا دیروز برای تقویت انحصار و شکست مقاومت غرب کابل، بزرگ شده بودند، از میان برداشته شوند. خیانت در برابر سرنوشت و حیثیت و خون اجتماع هزاره پدیده یی نیست که با حسن نظر و یا انعطاف سیاسی فراموش گردد. افغانستان در مرحله گذار تاریخ سیاسی و اجتماعی نوین خویش قرار دارد. خیانت در برابر آرمان های یک اجتماع، آنهم در جنگ انحصار و زدودن اقشار محروم، بزرگترین عاملیست که کلیه موضعگیریهای سیاسی کنونی را به مثابه پایه های قضاوت تاریخی نسلهای آینده به یادگار خواهد گذاشت. سیاست هایی که صرفاً برای تقویت این شخص یا آن فرد در درون یک جنبش عدالتخواهی به عمل آیند، هیچگونه دردی را برای ملت افغانستان و برای کشور های همسایه دوا نمیکند.

سیاستی در افغانستان پیروز خواهد شد که گرایشات سیاسی و نظامی را برای ایجاد حکومت با پایه های وسیع و حضور سیاسی تمام ملت های کشور مساعد سازد؛ در غیر آن سیاست دست بر سر این کشیدن تا آن دیگر را به پا ایستاده کردن، بازهم غیر شکست و تلاش بدون فرجام، چیز دیگری را به نمایش نخواهد گذاشت. ●



محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبر نگار «صفحه نو» ۱۳/۸/۱۳۷۴ - بامیان:

روحیه انحصار طلبی و منطق یکه تازی، عامل خطرناکترین فاجعه ها در کشور ما گردیده است

* در حکومت آینده افغانستان هیچکسی احساس حقارت و کمبودی نکند، به حق هیچ کسی ظلم نشود و به تعبیر واضحتر، عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه تامین شود و هیچکسی و هیچ جمع و جماعتی از حق اندیشیدن و تصمیم گرفتن به خاطر سرنوشت خود محروم نماند.

س: استاد محترم، اگر بنا باشد شرایط به گونه ای پیش بیاید که کسانی که امروز از کنار مردم ما جدا شده و به دشمن پناه برده اند، دوباره به آغوش حزب وحدت و جامعه هزاره برگردند، شما چگونه دورنمایی را در اینجا پیش بینی می کنید و برای اینگونه برگشت چه شرایطی خواهید داشت؟

ج: در این رابطه هیأت های مردم ما از دره ترکمن، سمت شمال، بهسود و پنجاب آمدند و صحبت های زیاد و مفصلی صورت گرفت و ما هم برای تمام این هیأت ها مواضع خود را به طور واضح و روشنی بیان کردیم و گفتیم تا زمانی که آنها در دامن دشمنان مردم ما باشند و در دست آنها خنجر بر علیه مردم ما شوند، هیچ راهی برای سازش و مفاهمه باقی نیست. اختلاف و تفرقه را در درون حزب وحدت و در میان جامعه ما، اینها بودند که به وجود آوردند و هنوز هم اینها هستند که بر دشمنی و خصومت خود اصرار می کنند. من برای هیأت ها گفتم که حوادث سه سال گذشته در غرب کابل، با خون و قربانی هزاران انسان مظلوم مردم ما تجربه شده اند؛ شما میدانید که رهبر شهید، استاد مزاری، با چه حسن نیتی در برابر شورای نظار برخورد کرد و در واقع بر شانه های مردم ما بود که اینها به حاکمیت رسیدند، اما متأسفانه که اولین موج خصومت و عقده گشایی شان تمام هستی مردم ما را در بر گرفت. در این سه سال شورای نظار و سیاف، از هیچ هزینه ای برای نابود کردن و حذف نمودن مردم ما دریغ نکردند؛ اما این خابنیز بازم رفتند و در کنار آنها توجیه گر جنایت شان و حتی دستیار آنها برای قتل عام مردم ما شدند. اینها صریحاً در برابر مردم ما قرار گرفتند و به احساسات و خواسته های مردم ما اهانت کردند. فاجعه های چنداول و افشار زخم و داغ عمیقی در قلب مردم ما برجای گذاشته بود، ولی اینها به عاملین این فاجعه ها شادباشی گفتند و در کنار آنها، به طرح و تصمیم مشترک اقدام نمودند. بازی بی را که اینها با احساسات و خواسته های مردم افشار انجام دادند، تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد، اینها برای مردم ما مشکلات زیادی را ایجاد کردند و به همدستی دشمنان مردم ما فاجعه های زیادی را بر غرب کابل تحمیل کردند؛ حتی زمینه، به شهادت رسیدن استاد مزاری را همین ها فراهم کردند. من قبلاً هم گفتم که در شهادت استاد مزاری و فاجعه غرب کابل دست ها و عوامل

زیادی دخیل بود: «طالبان» متعصب و جاهل که آله دست بیگانه گان و حتی آله دست دولت ربانی و مسعود شدند، رهبر مردم را به شهادت رسانیدند، آنها عامل مباشر بودند؛ عامل دیگر خود دولت ربانی و مسعود و سیاف بود و عامل سوم هم اینهایی که از جامعه ما جدا شده و در تمام تحریکات دشمنان نقش اولی و اساسی را داشته اند. ما به دوستانی که به عنوان هیأت پی آمدند، گفتیم که با توجه به دلایل فوق، ما اینها را خابنیز میدانیم و معتقدیم که جنایت بزرگتر از همه که توسط اینها، در حق مردم ما روا داشته شده و هرگونه شک و شبهه نسبت به ماهیت و هویت شان را از بین می برد، پیشگام شدن شان برای سیاف و مسعود در هزاره جات است؛ اینها چه توجهی برای مردم و حتی برای خود خواهند داشت که با تانک و توپ شورای نظار و سیاف به هزاره جات لشکر می کشند؟ با اینهم ما اعلام کردیم و پیشنهاد نمودیم که اگر این خابنیز از سر راه مردم ما دور شوند و دیگر پا مردم ما خصومت نکنند و از کنار دشمنان مردم ما جدا شوند، ما به آنها کاری نداریم؛ بیایند و در خانه و منطقه خود آرام بنشینند، ما متعرض شان نمیشویم و از گذشته شان هم میگذریم؛ حتی برای فعلاً با آنکه مردم ما از خیانت و جنایت های شان عصبانی اند، ما جلو عصبانیت ها را می گیریم؛ اینها بیایند و مدتی که در خانه های خود ماندند و ثابت ساختند که از عملکرد های گذشته خود نادم و پشیمان اند، آنگاه خود مردم در مورد شان تصمیم میگیرند که چه کار کنند. ما در هر حال، به خواست مردم خود احترام میگذاریم و صلاحیت هرگونه تصمیم گیری در باره سرنوشت سیاسی را از آن مردم خود میدانیم. نکته ایی را که باید تأکید کنم، این است که معامله با خابنیز، تنها به خواست و مصلحت ما یا حزب وحدت به عنوان یک حزب نیست؛ درست است که ما جز مصلحت مردم خود را در نظر نداریم، ولی این هم واضح است که حق هرگونه تصمیم در باره سرنوشت خابنیز متعلق به مردم ماست؛ چون این ها تنها به حزب وحدت خیانت نکرده اند، اینها باعث بزرگترین فاجعه برای مردم شده اند. چندی قبل هم آنطوریکه شما در جریان قرار دارید، جمعی از اینها، زیر عباي آقای ابراهیمی و به شکل کاملاً اهانت آمیز نسبت به مردم ما، به پنجاب آمدند. آقای اکبری بعد از صحبت هایی که با آقای زاهدی داشت، در ورس ماند و به کابل برگشت. ما فکر کردیم که شاید حوادث و همچنین صحبت های آقای زاهدی موثر تمام شده باشد، لذا به تمام مربوطین حزب وحدت اسلامی گفتیم که از هرگونه عمل تحریک آمیز خود داری کنند تا اگر ممکن باشد، حد اقل همین آدم از کنار دشمنان مردم ما دور شود. آقای بهشتی هم برای من نامه نوشت و در آن پرسیده بود که حالا آقای اکبری اینجا هستند، شما چه تصمیمی می گیرید؟

در همان لحظه هایی که قاصد آقای بهشتی به سوی یکه ولنگ می آمد، هیلیکوپتر آقای مسعود در پهتاب جوی پایین شد و آقای اکبری را با خود برد؛ یعنی بار دیگر ثابت شد که ایشان از مخالفین مردم ما جدا شدنی نیستند. بنا به هرگونه تصمیمی درباره آنها به خود مردم ما تعلق دارد و تا زمانی که از خصومت و ستیزه خود دست نکشند، موضع ما در دفاع از خواسته ها و احساسات مردم ما ثابت خواهد بود.

س: استاد محترم، بر می گردیم به یک مسأله دیگر و آن اینکه با

معطل ماندن نیروهای «طالبان» و جبهه ضد حاکمیت فاشیستی کابل، صحبت هایی با هماهنگی مخالفین این حاکمیت بر سر زبانها است. شما قبلاً هم اشارات مختصری در زمینه داشتید، خواستیم بپرسیم که شخصاً دیدگاه حزب وحدت و مواضع آن در این مورد چه است و در صورت توافق احتمالی، دورنمای اوضاع را چگونه پیش بینی خواهید کرد؟

ج: البته دیر زمانی است که مذاکرات «طالبان» با شورای هماهنگی جریان دارد. ماقبلاً در جلسه ای که در مزار شریف در جمع تمام اعضای شورای عالی هماهنگی داشتیم، مواضع این شورا را در رابطه به فاجعه غرب کابل و شهادت استاد مزاری به طور دقیق روشن ساختیم. شورا فیصله کرد که با «طالبان» در صورتی وارد مذاکره می شویم که قاتلین استاد شهید شناسایی و به محکمه سپرده شوند. در این جلسه، فاجعه غرب کابل و شهادت استاد مزاری يك فاجعه ملی خوانده شد که همه مردم افغانستان را داغدار ساخته و همه آن را محکوم میکنند. بر مبنای این فیصله، شورای هماهنگی - البته به استثنای نمایندگانی که حزب وحدت - با «طالبان» وارد مذاکره شد و مواضع و خواسته های خود را با آنان مطرح کرد. این مباحثات دیر زمانی طول کشید و سر انجام «طالبان» اعتراف کردند که به شهادت رسیدن استاد مزاری يك فاجعه بزرگ بوده و آنها عاملین این فاجعه را محکوم می کنند و ... از پیشامد این حادثه متأثر هستند؛ در رابطه با قاتلین هم پذیرفتند که کمیسیونی توظیف شود که قاتلین را شناسایی و به محاکمه بفرستند در تمامی این مراحل، نماینده ما مستقیماً در جلسات شرکت نکرد و از طرف مرکز هم گفته شده بود که تا شرایط حزب وحدت پذیرفته نشود، نماینده ما شرکت نکند و زمانیکه «طالبان» در این زمینه اعلام آمادگی کردند، نماینده ما مستقیماً وارد مذاکره شد و تا حالا هم این مذاکرات جریان دارد. آنچه که گذشته از شرایط برحق و عادلانه، حزب وحدت در مورد شهادت استاد مزاری و فاجعه غرب کابل، برای ما مطرح است، مصالح علیای کشور ماست. تشکیل جبهه مخالفین دولت ربانی و مسعود آخرین امکان برای نجات مردم ما از وضعیت رقتبار کنونی است. اگر مسعود و دار و دسته اش بر سر عقل می آمدند و سرنوشت خود و مردم خود را از روی بصیرت و آگاهی مد نظر می گرفتند، مشکلات به طور یقین خاتمه می یافت. راههای مسالمت آمیز و طرح های سیاسی ایی که سازمان ملل متحدو

باقی سازمانهای اسلامی و حلقات داخلی پیشنهاد کردند و در این راستا تلاش زیادی هم به خرج دادند، متأسفانه به نتیجه نرسید و ثابت شد که آقای ربانی و مسعود حاضر نیستند با فشار سیاسی، به حل مشکلات رضایت دهند؛ حالا فکر میکنیم چاره ای جز این نیست که فشار نظامی وارد شود و مخالفین این دولت با همه تفاوت دیدگاه و تفاوت نظریه مواضع سیاسی شان، در این نقطه باید هماهنگ شوند تا این وضعیت رقتباری که هر روز آن به بهای سنگینی برای مردمان کشور تمام میشود، خاتمه پیدا کند. و اما در باره دورنمای اوضاع در صورت ایجاد جبهه مخالفین، باید بگویم که همه چیز بستگی به این دارد که قدرتهای موجوده کشور تا چه حد از حوادث دردناک گذشته عبرت گرفته اند. در گذشته روحیه انحصار طلبی و منطق یکه تازی، عامل خطرناکترین فاجعه ها در کشور ما گردید؛ حاکمیت های گذشته انحصار طلبی کردند و با قدرت مطلقه، یک خاندان عمل کردند، نتیجه آن انفجاری بود که در ذهن و دل این جامعه رخنه کرده و بالاخره فاجعه خطرناک ملی را ایجاد کرد؛ خلق و پرچم انحصار طلبی کردند و بدون توجه به واقعیت های جامعه افغانستان و شرایط عینی و ذهنی آن، تمام مخالفین خود را به بند کشیدند و نابود کردند که در نتیجه آن با قیام سرتاسری ملت افغانستان مواجه شده، هم خود و هم مردم را به کام تباهی انداختند؛ بعداً آقایان مسعود و ربانی هم آمدند و بدون عبرت از سرنوشت گذشته گان، سیاست انحصار طلبی را پیش گرفتند و خواستند تجربه ایی را که دیگران انجام داده و شکست خورده بودند، تکرار کنند؛ نتیجه این انحصار طلبی نیز باعث آوارگی و تفرقات و نابودی و کشتار و ویرانی ملت ما در تمام نقاط کشور شد. مشکل عمده و اساسی افغانستان هم متأسفانه همین است که عدم آگاهی و درک سیاسی، باعث روحیه های خود محور و خود بزرگ بینی می شود و اکثرأ کوشش می کنند که به تنهایی قهرمان تمام صحنه ها باشند. در اینجا کمتر کسی حاضر است که در کنار صلاحیت ها و توانمندی های خود، به دیگران هم احترام بگذارد و حق قایل شود. ما متأسفانه تجربه و نتیجه این روحیه نا معقول را به حد کافی دیده ایم و هنوز هم شاهدیم که این روحیه کاملاً ریشه کن نشده است. بهر حال، آنچه که فکر میکنم همه باید به آن رسیده باشند، این است که حاکمیت های انحصاری متعلق به یک گروه یا یک قوم و قبیله نمیتوانند دوام بیاورند. هیچکسی در این کشور کامل و بدون ضعف نیست، لذا بهتر است که همه در محور منافع مشترک ملت افغانستان جمع شوند و کشور را از این وضعیت رقتبار نجات دهند.

س: استاد محترم، حکومت مطلوبی که در آینده افغانستان بتواند آرزوهای تمام اقشار ملت را بر آورده سازد، به نظر شما دارای چه ضابطه هایی خواهد بود؟

ج: خدمت عرض شود که ما تا هنوز در این رابطه طرح مشخصی نداریم، یعنی حوادث و جریانات کشوری تاکنون به شکلی بوده است که مجال اندیشیدن جدی روی این قسمت از ضرورت های سیاسی مردم خود را کمتر داشته ایم. با آنکه قبلاً حزب وحدت در این زمینه طرح هایی را تدوین کرده بود که مسلماً با تغییر مواضع و شرایط قابل تجدید نظر

میباشند. اما اینکه ما چه نوع حکومتی را برای آینده افغانستان پیشنهاد میکنیم، باید بگویم که ما هر نوع حکومتی را که با وضعیت و بافت خاص اجتماعی افغانستان مطابقت کند و با باورهای فکری و اعتقادی مردم ما هماهنگی داشته باشد، مورد تأیید میدانیم. حالا مشخصاً این چه نوع حکومتی باشد و از کدام طریق میتوان بهتر به خواسته ها و نیازمندیهای مردم خود پاسخ گفت، مربوط به مجمع کادرهای علمی و نیز همه پرسى ملت میشود. حرف عمده این است که در حکومت آینده افغانستان هیچکسی احساس حقارت و کمبودی نکند، به حق هیچ کسی ظلم نشود و به تعبیر واضحتر، عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه تامین شود و هیچکسی و هیچ جمع و جماعتی از حق اندیشیدن و تصمیم گرفتن به خاطر سرنوشت خود محروم نماند. حالا این حکومت با سیستم فدرالی تامین میشود، با سیستم اداره سیاسی متمرکز تامین میشود یا به شکل دیگر، در این قسمت بحث نداریم.

س: استاد محترم، در نحوه تشکیل حکومت آینده، ظاهراً دیدگاهها متفاوت است. جمعی معتقد اند که باید این حکومت توسط احزاب سیاسی به شکل يك اداره انتقالی ساخته شود. جمع دیگر معتقد اند که باید بر اساس نفوس و اقلیت و اکثریت ملیت ها از لحاظ کمی تشکیل شود و جمعی هم بر این باور اند که باید حکومت توسط کادرهای فنی و تخصصی ملت افغانستان تشکیل شود و احزاب و اقلیت و اکثریت ملیت ها و نفوس کشور، از طریق پارلمان مطرح شوند که به عنوان مجمع سیاسی ملت پذیرفته میشود. شما در این رابطه ها کدام نظر را می پذیرید؟

ج: میشود که همه این نظریات را در یک طرح کلی ترجمه کنیم. یعنی باید سیستمی را در نظر بگیریم که هم احزاب در آن سهم داشته باشند، هم مسأله نفوس و اقلیت و اکثریت ملیت ها از لحاظ کمی حل شود و هم کادرها و متخصصین فنی ملت اداره امور را در دست داشته باشند. یعنی ما میتوانیم احزاب سیاسی را به عنوان نماینده گان سیاسی ملت، صلاحیت تصمیم گیری بدهیم که از طرف ملت در کاندید شدن شرکت کنند و به اندازه محبوبيت و اعتماد خود در میان مردم، داخل اداره سیاسی شوند و هم در این اداره مسأله نفوس و اقلیت و اکثریت ملیت ها در نظر گرفته شود که هیچکس از حق مشروع خود محروم نماند؛ در عین حال افرادی که از طرف ملیت ها به تناسب حضور فزاینده شان معرفی میشوند، اشخاص فنی و با صلاحیت باشند که بتوانند به سیستم کار و اداره کشور آشنایی داشته باشند. اگر ما بگویم که حق شرکت در حکومت تنها به کادرهای تخصصی و فنی داده شده و جز این دیگر هیچ معیاری نداشته باشیم، مسلم است که در تامین عدالت اجتماعی کوتاهی خواهیم کرد، چون در نظام های گذشته، متأسفانه که حق تحصیل و پرورش استعداد های فکری و علمی برای تمام ملیت ها و اقشار کشور یکسان نبوده است و مثلاً برای جامعه هزاره، تاخیلی زمانها حتی وارد شدن به مکتب ممنوع بود و برعکس، در میان بعضی از ملیت های برادر دیگر، شاید هر خانواده چندین فرد تحصیل یافته و مسلکی داشته باشند. بناً اگر معیار تشکیل حکومت بر اساس حضور افراد ملت نباشد، عدالت و برابری واقعی به هیچ صورت تامین شده نمیتواند اما اگر معیار نفوس و حضور افراد ملت باشد، هر ملیتی میتواند با صلاحیت ترین افراد خویش را برای ساختار حکومت ملی پیشنهاد کند، بدون اینکه به کس دیگری ظلم شده باشد، یا اداره کشور به دست افراد بی کفایت و غیر مسلکی افتیده باشد.

س: استاد محترم، به عنوان آخرین سوال شما فعالیت های فرهنگی حزب وحدت اسلامی را در جریان مقاومت غرب کابل و پس از آن، مخصوصاً فعالیت هایی را که شورای نویسندگان «امروز ما» انجام داده اند، چگونه ارزیابی میکنید و مشخصاً چه رهنمود هایی برای این برادران دارید؟

ج: فعالیت های فرهنگی حزب وحدت اسلامی، گرچه در دوران مقاومت عادلانه غرب کابل، خیلی محدود و با امکانات کم و شرایط بسیار بد و ناگواری پیش می رفت، بهر حال، قابل قدر بود و در روشن ساختن ذهنیت مردم و دفاع از حق و آرمان آنها، نقش برجسته ای داشت؛ ولی پس از فاجعه غرب کابل، با وجود آنکه مادر هزاره جات بودیم و هستیم و مشکلات ارتباطات و تماس های دائمی خیلی زیاد است و با شورای نویسندگان «امروز ما» و دوستان فرهنگی ایی که در این بخش کار می کنند، نمیتوانیم تماس دائمی برقرار کنیم و یا به مشکلات شان رسیده گی نماییم، ولی نتایج کار برادران برای ما می رسد و تقریباً به طور منظم در جریان تلاش های شان قرار می گیریم. باید بگویم که ما این کارها و فعالیت ها را به دیده قدر می بینیم. تأثیری که این نشریه در رساندن پیام مردم ما و روشن ساختن حقایق و واقعیت های زنده گی و تاریخ مردم ما داشته است، در هر گوشه و کنار کشور، در داخل و خارج، مایه سربلندی و افتخار حزب و مردم ماست. شورای مرکزی هم چندین باری که روی کار برادران بحث کرده است، زحمات و تلاش صمیمانه شورای نویسندگان «امروز ما» را تقدیر نموده و اثرات آن را در میان مردم ما چه در داخل و چه در خارج مثبت و ارزنده خوانده اند. ما بسیار خوشحال هستیم که دوستان ما، در لحظات حساس و تاریخی رسالت فرهنگی و تبلیغی خود را به نحو شایسته ای ادا کردند و در برابر هجوم های تبلیغاتی و جو سازی دشمنان، از مردم سربلند و با عزت خود دفاع کردند. ولی این هم یک امر طبیعی است که هر حرکت سازنده و مثبت، در قبال خود یک سلسله حرکت های منفی را نیز بر می انگیزد و کسان و جریان های پیدا می شوند که در برابر آن موضعگیری کنند و به گونه های مختلفی از



محترم قریب الرحمن سعید ، د حزب اسلامی دارشاد او فرهنگ رئیس او د حزب ویاند د «صفحه نو» خبریال سره په مرکه کی:

هر څوک چی دملیتونو تر منځ تبعیض ته قایل دی هغوی په هیواد کښی دسولی په ځای جنگ غواری



ده دهماهنگی عالی شورا په هیواد کښی د یو څواکمن ارگان په حیث سرنوشت ټاکنوکی وبالله او وی ویل چی ددی شورا سره د مصلحت مشوروی او برخی اخستونه پرته هیڅ نظام نشی جوړیدی او که دکوم سازش په نتیجه کښی دا کار وشی باثباته او پائیداره به نه وی.

ده ووئیل هم آهنکی عالی شورا

چی د شهید او خدای پخښلی استاد عبدالعلی مزاری په همکاری او ابتکار جوړه شوی ده دخپل نهایی هدف د ترلاسه کولو یعنی د دواړو منی سولی د تامين او ملت ته د یو قایل قبول حکومت تر جوړیدو پوری به واحد او قاطع عمل کړی او تفرقه اچوونکو ته به هیڅکله شم ددی زمینه برابره نشی چی ددی سرنوشت جوړونکی شورا صفوف کمزوری کړی.

استاد سعید دطالبانو، او مشرقی شورا سره دهماهنگی دعالی شورا مذاکرات چی همدا اوس هم روان دی گټور ویل او وی ویل دکابل حکومت چی په نظامی او اقتصادی لحاظ په یوی خطرناکی کلانندی کښی راگیږ دی او دخلکو دعمومی پاڅون سره مخامخ دی داستعفی نه پرته نی دواکمنی دپراختیا او انتظامی ته د دوام ورکولو دپاره نی په عمومی پس منظر کښی نور هیڅ نه ښکاری. ده دکابل داوسیدونکو په اوسنی جنگی او اقتصادی فشار باندی خوشینی څرگنده کړه او ددی ټول مظلومیت او بشری کړاوونو اصلی عامل نی دکابل داتلانی حکومت ناخوالی ویللی چی دټوپ او توپک په زور نی ځان مسلط کړی دی.

اصولونه وفادار وی، برخمن وی. ده داوسنی انتظامی په مقابل کښی دافغان ولس پاڅون یو عینی واقعیت وبالله او په دی لر کښی نی دتولو هغو څواکونو منفی سلوک وغانده چه په انحصاری توگه غواړی هغه او دغه دلی دسیاسی برخی اخستو نه بی برخی کړی او دمیم زرمه توله زما په ناجایزه غوښتنو سیاسی صورت حال نورهم لاجحه من اوکړیکچن کړی.

استاد قریب الرحمن سعید زیاته کړه دهماهنگی عالی شورا چی په هیواد کښی نی د دواړو منی سولی د تامين او دجنگونو دختمی دپاره کوم اواز اوچت کړی دی نه یوازی په اسلامی او افغانی معیارونو برابر دی بلکه په ملی سطح دولس دملاتو نه هم برخورداره دی.

ده ویل مونږ چی دکابل انتظامی درنگولو دپاره کوم هوډ کړی دی هغه دټول ملت دمافی الضمیر آوادی او دجنگونو د دوام په ضد نی د یو کمیابن به حیث دهری ورځی په تیریدو سره مثبتی نتیجی رابرسره کپړی او دکابل په حکومت دسیاسی اونظامی فشار کړی راتنگیږی.

استاد سعید په اوسنی بحرانی وخت کښی ټولو جهادی تنظیمونو ته بلنه ورکړه چی داسلامی حکومت دجوړولو په عملیه کښی دکابل حکومت سره د اقتصادی اړیکو د دطمعی توقع نه تیرشی او دکوتک او ټوپک دغیر قانونی ضوابطو په عوض دی جهادی اهدافو دتحقق دپاره دپراخه بنسټه انتخابی اوقانونی حکومت دجوړولو په کار کښی خپل اثر رسوخ پکار واچوی او ددینه زیات دی جهادی هویت ته نقصان نه رسوی.

په افغانستان کښی په مذهبی او سیاسی لحاظ ټول ورونه ملیتونه په دولت او حکومت کښی دبرخی اخستو یو شان ته حق لری او په سرنوشت جوړونکو ټولو ملی مسئلو کښی باید دهر ملیت دکردار او نظریاتونه افغان شموله استفاده وشی

دغه مطلب دافغانستان داسلامی حزب دارشاد او فرهنگ رئیس او د حزب ویاند استاد قریب الرحمن سعید د «صفحه نو» داخصاصی خبریال سره په یوه مرکه کښی څرگند کړی او وی ویل په اوسنی وخت کښی چی ځینی جهادی گوندونه دملی وحدت دتامين په خلاف دشیعه اوسنی ازبک، تاجک، هزاره او پښتون ترمنځ کوم تبعیضی سیاست چلولی په حقیقت کښی دجنگ د دوام او افغانی روایاتو خلاف عمل کوی.

دده د یو سوال په جواب کښی ویل هماعسی چی د پیرو راهیسی ټولو افغانی ورونو ملیتونو د یو بیرغ و یو افغانی قیادت لاندی دوروری او صمیمت په فضا کښی ژوند کړی دی ددی وروسته هم باید د جهادی اهدافو د تطبیق په رڼا کښی دپخوا په شان د تبعیض د کڅیرنی مفکوری په منتفی کولو سره په ملی معیارونو دملی وحدت تامين مرکزی عنصر ویولی.

قریب الرحمن سعید دهماهنگی دعالی شورا دممنشور په توضیح کولو سره ویل دغه شورا چی دسراسری سولی د تامين او قوی مرکزی اسلامی حکومت دپاره نی کوم بنسټ ایښی دی په هغی کښی نه یوازی یو ملیت په بل ملیت باندی دتفرق مفکوره رد کړی ده بلکه په هیواد کښی د یو گوندی او یو ملیتی حکومت د دوام او جوړولو په لاره کښی خپلی وسله والی مبارزی ته هم دوام ورکړی دی او په عمل کښی نی ثابت کړی ده چی داسلامی حکومت په جوړیدو کښی باید انتخاباتی او گڼ ملیتی ټولی جهادی او افغانی ډلی چی اسلامی

مردم مسلمان غندک و جلمیش به حزب وحدت اسلامی پیوستند

* نیروهای نظامی مناطق مذکور درچوکات قول اردوی حزب وحدت اسلامی اعاشه میشوند

* افراد وابسته به حاکمیت فاشیستی، از منطقه فرارکردند.

د اثر دیدو بازیدیهایی که میان نماینده گان مردم مسلمان غندک و جلمیش از مربوطات ولایت بامیان، با حزب وحدت اسلامی صوت گرفت. سر انجام مناطق مذکور تحت اداره مستقیم حزب وحدت اسلامی قرار گرفته و نیروهای نظامی آنان در چوکات قول اردوی این حزب تنظیم شدند. به گزارش خبرنگار نظامی «صفحه نو» از بامیان، فعلاً امنیت کامل در مناطق غندک و جلمیش برقرار شده و چند تن افرادی که وابسته به حاکمیت فاشیستی بودند و در جنگهای بامیان بر علیه مردم هزاره جات جنگیده بودند، از منطقه فرار کرده اند. طبق این گزارش، شورایی از نماینده گان با صلاحیت و با تدبیر مردم غندک و جلمیش، در ارتباط مستقیم با حزب وحدت اسلامی قرار گرفته و مشکلات و مسایل محلی خویش را با این حزب در میان میگذارند.

روحیه انحصار طلبی و منطق یکه تازی ...

نوشته ها، کلمات و عبارات تان معصومانه باشد. هیچ کسی، هیچ تشریه ای و حتی هیچ کاری بدون ضعف و کاستی نیست و طبعاً «امروز ما» هم به عنوان یک حرکت تازه، قوی و جهت دار، از این قاعده مستثنی نیست، ولی این نقص ها و ضعف ها در برابر وجوه برجسته و ارزنده آن کاملاً ناچیز است و امیدوارم که شورای نویسنده گان «امروز ما» با دقت و روشن بینی بیشتر، راه پر افتخاری را برای مردم ما هدیه کنند و این حرکت را که از طرف مردم و شورای مرکزی قابل تقدیر است، با موفقیت بیشتر ادامه دهند و نواقص و کمبودی های آن را رفع سازند.

س: استاد محترم، با تشکر از اینکه فرصت دادید تا یکمقداری از ضروری ترین حرفها را از زبان تان بشنوم. اگر کدام پیام شخصی برای ملت رنجیده افغانستان و مخصوصاً مهاجرین محترم خارج از کشور داشته باشید، در خدمت هستیم.

ج: من آنچه را که میخواستم با ضروری بپرند که بگویم، در ضمن صحبت های قبلی ام بیان کردم؛ ولی نتیجتاً در این باره به عنوان یک برادر و یک فرزندی از مردم خود بازم قایل تذکره میدانم این است که همانطوریکه خواهران و برادران ما در جریان هستند، در یک سال گذشته، شرایط سخت و دشواری بر مردم ما گذشته است. غرب کابل که محور عظمت و سربلندی مردم ما بود، استاد مزاری که سمبول آرزو ها و آرمانهای مردم ما بود، و صدها برادر و خواهر مظلوم ما، همه در اثر توطئه ها و بدخواهی های دشمنان ملت ما، از ما گرفته شدند. کاری که فعلاً در هزاره جات و توسط شورای مرکزی و رزمندگان و فرمانداتان عزیز مردم ما راه افتیده است، در واقع تلاش تازه بی در راه رسیدن به آرزوهای برخاک افتیده مردم ماست. پس از ماهها رنج و فشار و مشکلات، اینک به فضل خدا و همت مردم سربلند ما، وضعیت نسبتاً خویتر و رو به راه تر است و امید داریم که در پی این روز های دشوار، فصل عزت و آرامی ملت ما آغاز شود.

خاطره پی از یک سرباز مجروح

تاریخ ۲۳ سنبله ۱۳۷۳ بود. ما گذارش هایی داشتیم که تشیع درباری میخواهد هرج و مرجی را در منطقه به نفع اربابان خود به راه اندازد. اما در اثر هوشیاری و کوشش استاد بزرگ ما - استاد مزاری - این توطئه کشف شد و شورای مرکزی تصمیم گرفت که این جیره خواران را پاکسازی کند. استاد تمام قوماندانها را خواست و تصمیم گرفته شد که ساعت ۳ بجه شب باید تمام لانه های مزدوران دولت تصفیه شوند. برای تمام کسانی که در عملیات اشتراک داشتند، تکه هایی به رنگ نارنجی توزیع شد. همان شب قوماندان عمومی ما - آقای مرادی - آمد و تمام قوماندانهای پسته ها را جمع کرد، وضعیت را تشریح نمود و از هر پوسته شش نفر خواست. قوماندان پسته، ما سید همایون بود که برادر من است. ما دو پوسته داشتیم که یکی از آنها در گردنه سخی نزدیک کوه تلویزیون بود و دیگری در عقب زراعت. قوماندان ما تمام بچه ها را احضارات درجه یک داد و خودش شش نفر از پوسته ما گرفته، حرکت کرد و گفت که آقای مرادی به ما وظیفه سپرده است. در وقت خدا حافظی سر چریک پوسته را بوسید و برایش گفت که استوار باشد. صبح وقت صدای قیر در تمام منطقه بلند شد و در ظرف دو ساعت تمام نقطه های حساس پاکسازی شدند. ما در هر پوسته سه سه نفر داشتیم و توسط بی سیم با همدیگر ارتباط می گرفتیم. یکبار پوسته رفیق مادر بی سیم خبر داد که شورای نظار بالای پوسته ما حمله کرده است. من باور نمی کردم. مثل اینکه آنها از قبل کاملاً آماده گی داشتند. ما به یاری خدا و کمک همدیگر دفاع و مقاومت کردیم، جنگ شدید دوازده ساعت دوام کرد و من و چریک هر دوی ما زخمی شدیم و در میان خاک و خون افتیدیم. چریک از چشم و من، از دهن زخمی شده بودم. با خون دهن خود و خون چشم چریک اسم استاد و اسم خود را بطور یادگار نوشته کردم چند لحظه بعد بچه های کمکی آمدند و ما را به شفاخانه رساندند...

سید عباس بکاولی، فعلاً مجروح در پشاور.